



آسیب شناسی تملق و چاپلوسی در جامعه اسلامی از

منظر امام علی (ع)

دل آرام محمدی^۱، امید ابراهیمی^۲Pathology of flattery and sycophancy in Islamic society
from the perspective of Imam AliMohamadi Delaram¹, Ebrahimi Omid²

Email: Delarammohamadi23@gmail.com

چکیده

موضوع تملق و چاپلوسی و عواقب فردی و اجتماعی آن، به عنوان یک رذیله‌ی اخلاقی مورد ابتلای بسیاری از جوامع انسانی بوده و به هر میزان این صفت رذیله در میان احاد جامعه بیشتر باشد، به همان میزان سرنوشت اجتماعی آن مردم به سوی قهقرا و سیر انحطاطی پیش می‌رود. با توجه به اینکه در جامعه ایران نیز تملق‌گویی نوعی آفت و آسیب اجتماعی محسوب می‌شود که ریشه دیرینه‌ای دارد و به سلامت اجتماعی جامعه صدمه می‌زند. لذا نویسنده در این نوشتار به شکل توصیفی-تحلیلی کوشیده است شاخص‌های رفتاری تملق‌گویان و تملق‌دوستان و آثار سوء اعمال آنان را در جامعه از منظر امام علی (ع) مورد بررسی و مذاقه قرار دهد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد. امام علی (ع) سرمنشأ این رذیلت را حماقت و حقارت فرد، وجود زمامداران ستایش‌دوست و فرهنگ چاپلوس پرور دانسته که مبدأش شرک و جهل بوده، غایتش نفس است و ثمره آن خفت و خواری می‌باشد.

کلمات کلیدی: آسیب‌شناسی، تملق، چاپلوسی، جامعه اسلامی.

۱. مقدمه

دین مبین اسلام به وجود ارزشهای اخلاقی مطلق و ثابتی اذعان دارد که مسلمانان در شرایط زمانی و مکانی مختلف و حتی در برابر دشمن نیز باید نسبت به آنها پایبند باشند. یکی از این ارزشهای اخلاقی، پرهیز از تملق است. شاید علت اینکه اولین آیه سوره حمد، ستایش و حمد را فقط مخصوص خداوند متعال دانسته است برای پیش‌گیری از افتادن مومنان در دام تملق‌گویی و چاپلوس‌پروری باشد [۸]. امام علی (ع) نیز به این ارزشهای اصیل پایبند بوده و دیگران را از تملق منع می‌کرد. از منظر آن حضرت، تملق‌گویی در بسیاری از موارد موجب انحراف می‌شود و زمامداران را از واقعیتها و مشکلاتی که گریبان مردم را گرفته است، غافل می‌سازد. کسی که پیوسته مورد مدح و ستایش قرار گیرد و تملق دیگران را بشنود، پذیرش انتقاد برایش سنگین می‌شود و روز به روز از واقعیت‌های تلخ اجتماعی فاصله می‌گیرد. امام (ع) در این مورد به صراحت اعلام می‌کند: «یکی از بدترین حالات زمامداران نزد مردم نیک‌سیرت آن است که آنان را دوستدار ستایش بدانند و کارشان را به حساب تکبر و خودبزرگ‌بینی بگذارند» [۱۵، خطبه ۲۱۶].

امام علی (ع) یکی از اهداف بنیادی دین را رویکرد اخلاقی و فضیلت محور در تدبیر امور و اداره ارکان مختلف زندگی می‌داند. از این رو در خط مشی سیاسی امام علی (ع) پایبندی به ارزشهای اخلاقی و دینی و تحقق حاکمیت دینی، به مفهوم حقیقی آن، جلوه‌ای برجسته داشت [۹]. امام علی (ع) در این باره چنین می‌فرماید: «ثُمَّ إِنِّي أَكْمُ وَ تَهْزِيعَ الْأَخْلَاقِ وَ تَصْرِيفَهَا» مبدا اخلاق نیک را درهم شکنید و آن را دگرگون سازید [۱۵، خطبه ۱۷۶].

^۱. کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه تبریز

^۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد تبریز



انحطاط اخلاقی و شکسته شدن مرزهای اخلاقی در اجتماع، خطری جدی و ویرانگر است. زیرا وقتی انسان از محدوده فرد خارج می‌شود و در ارتباط با سایر افراد قرار می‌گیرد، اگر اصول اخلاقی بر روابط حاکم نباشد، انسانیت انسان فرو می‌ریزد پلیدی‌ها در روابط اجتماعی پدیدار شده و جامعه رو به زوال می‌گذارد [۹]. یکی از این اصول‌های اخلاقی پرهیز از تملق است، تملق از جمله رذایل اخلاقی است که نقش مهمی در آسیب‌پذیری نظام جامعه دینی دارد. و به‌عنوان یکی از عوامل اصلی عقب‌ماندگی کشورهای جهان سوم به‌شمار می‌رود [۱۰]. میدان دادن به افراد متملق و چاپلوس، اصل مهم انتقاد و نقد و نظر را به چاپلوسی و تملق تبدیل می‌کند. امام علی (علیه السلام) سرمنشأ این رذیلت را حماقت فرد می‌دانست [۱]. و خود و دیگران را از این آسیب برحذر می‌داشت. چنانکه در مقابل ستایش فردی فرمود: من از آنچه زبانت می‌گوید کمترم و از آنچه دردل داری برتر [۱۵، خطبه ۲۱۶].

بررسی پیشینه‌های پژوهشی [۳، ۵، ۶، ۹] نشان می‌دهد که پیشوایان اسلام نه تنها از چاپلوسی و ستایش نابجا بیزار بودند، بلکه مدح آمیخته به تملق را نیز عیب اخلاقی می‌شمردند [۶]. که عزت نفس فرد چاپلوس را از او می‌گیرد و شخص ستایش شونده را نیز به غرور و تکبر واهی گرفتار ساخته و بر ادامه جرم و گناه دامن می‌زند. و با ایجاد شکاف و فاصله میان رهبران و مردم و فریب و غفلت دست‌اندرکاران از واقعیت‌های موجود، به تدریج پایگاه اجتماعی نظام را تضعیف و مشروعیت آن را کمرنگ می‌سازد [۳]. از این رو ایجاد محیط نقادی و انتقادپذیری از ضروریات جامعه دینی و از راه‌های مقابله با این آفت است [۹].

با توجه به اینکه جامعه اسلامی، بر مبنای قرآن و سنت، و بر اساس موازین عقلی و انسانی اداره می‌شود و هدف آن ساختن جامعه‌ای متشکل از انسان‌هایی است که دارای عزت نفس و مناعت طبع باشند. از این‌رو ظهور هر نوع آسیبی در مسائل اجتماعی از جمله آسیب تملق، به معنی ظهور عیب و نقص و خروج از وضع طبیعی و پیدایش تباهی است. که معمولاً در جامعه ما به یک فرهنگ تبدیل شده است. لذا نویسنده در پژوهش حاضر کوشیده است با قرار دادن گفتار و رفتار حضرت علی (ع) به عنوان معیار آسیب‌شناسی، منشأ و شاخص‌های رفتاری تملق‌گویان و تملق‌دوستان و آثار سوء اعمال آنان را در جامعه مورد بررسی و مذاقه قرار دهد.

۲. معنا و مفهوم تملق

واژه ملق به معنای چاپلوسی است. این واژه در قرآن به شکل املاق برای بیان نداری و مشکل مالی آمده است؛ [به نقل از ۲؛ ذیل آیه ۱۵۱ سوره انعام]. آیت الله جوادی آملی (مدظله العالی) می‌گوید: این املاق به معنای فقر نیست، چه اینکه فقر هم به معنای نداری نیست. آن کسی که مال ندارد تهیدست است به او می‌گویند فاقد نه فقیر، فقیر یعنی کسی که ستون فقراتش شکسته است. منتها ملت گرسنه که دستش خالی است و قدرت ایستادگی ندارد به آن می‌گویند فقیر. کم کم این کلمه فقیر درباره کسی که مال ندارد هم رایج شده و گر نه حقیقت این لغت به معنای نداشتن مال نیست، بلکه به معنای کسی است که ستون فقراتش شکسته است [۲]. در فرهنگ لغت دهخدا، تملق یعنی چاپلوسی، چرب زبانی، خوشامدگویی؛ و یا ستایش و ستودن کسی که در انجام وظایف خود سهل انگار است، معنا شده و نوعی آفت زبانی و اجتماعی است. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «الْتَّنَاءُ بِأَكْثَرِ مِنَ الْإِسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ وَ التَّقْصِيرُ عَنِ الْإِسْتِحْقَاقِ عِيٌّ أَوْ حَسَدٌ» ستایش بیش از حد، تملق است و کوتاهی در ستایش، درماندگی است یا حسد [۱۵، حکمت ۳۴۷].

ستایش و ستودن کسی که در انجام دادن وظایف شرعی یا اجتماعی، سهل انگار است، چاپلوسی نام دارد. این کار، نوعی آفت زبانی است و نکوهیده بودن آن در سخنان هدایت‌گر رهبران معصوم اسلام آشکارا بیان شده است.

۲-۱. انواع تملق

بدون توجه به قصد و نیت فرد متملق، رفتارهای چاپلوسان به چهار شکل زیر می‌باشند:



۱-۱-۲- تعریف و تمجید: در این تاکتیک فرد چاپلوس به بیان نظرات و قضاوت‌های مطلوب درباره فرد هدف می‌پردازد، چرا که این حالت روانی در افراد وجود دارد که چنانچه متوجه شوند مطلوب و مورد توجه دیگران هستند، خود به خود تمایل و علاقه ویژه‌ای نسبت به آنها پیدا می‌کنند.

روزی حضرت علی(ع) در صفین سخنرانی می‌کردند، در حین سخنرانی مردی ایشان را ستوده و درود فراوان فرستاد، امام علی(ع) در ادامه سخنرانی فرمودند: «... و در دیده مردم پارسا، زشت‌ترین خوی والیان این است که خواهند مردم آنان را دوستدار بزرگ‌منشی‌شان و کارهایشان را به حساب کبر و خودخواهی بگذارند. خوش ندارم که در خاطر شما بگذرد که من دوستدار ستودنم و خواهان ستایش شوم. سپاس خدا را که بر چنین صفت نزادم و اگر ستایش دوست بودم آن‌را و می‌نهادم...» [۱۵، خطبه ۲۱۶]. حضرت علی(ع) مدح و ستایش را خوش نداشته و همیشه مردم را از این کار نهی می‌فرمود. در همین راستا خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «و بپرهیز از خود پسندیدن و به خود پسندی مطمئن بودن و ستایش را دوست داشتن، که اینها از بهترین فرصت‌های شیطان است تا بتازد و کرده‌های نیکوکاران را نابود سازد» [۱۵، نامه ۵۳].

۲-۱-۲- لطف و مرحمت: در این شیوه که معمولاً به صورت ترکیب با تعریف و تمجید به کار می‌رود، چاپلوس، با لطف و مرحمت در موارد مختلف نسبت به فرد هدف و برآوردن نیازهای وی علاوه بر آنکه خود را فردی انسان دوست نشان می‌دهد، وی را نسبت به خود مدیون می‌سازد.

حضرت علی(ع) هنگام عزیمت به صفین، از شهر انبار عبور می‌کرد. دهقانان این شهر طبق رسوم ایرانی تشریفاتی ترتیب داده و به استقبال امام آمدند، آنان ابتدا پیشاپیش امام دویدند، امام سبب را پرسید، گفتند: امیران خود را بدان بزرگ می‌شماریم [۱۰]. امام(ع) ضمن نهی این کار فرمودند: «به خدا که امیران شما از این کار سود نبردند و شما در دنیایان خود را بدان به رنج می‌افکنید و در آخرتتان بدبخت می‌گردید، و چه زیانبار است رنجی که کیفر در پی آنست و چه سودمند است آسایشی که با آن، از آتش امان است» [۱۵، قصار ۳۷]. سپس اسب‌های زین کرده به حضور آوردند، امام(ع) در مورد آن‌ها پرسید، گفتند: این‌ها هدیه به پیشگاه مولاست و انواع غذاهای ایرانی هم آماده است، بفرماید. امام(ع) فرمودند: اسب‌ها را نمی‌گیرم مگر اینکه به جای مالیات شما حساب کنیم، در مورد غذایی که آماده کرده‌اید دوست ندارم از اموال شما چیزی بخورم، مگر اینکه بهای آن را بپردازم [۱۰].

۳-۱-۲- همسویی عقاید: در همسویی عقاید فرد چاپلوس، خود را همسو و هم جهت با نظرات، عقاید و ارزش‌های فرد هدف نشان می‌دهد. همسویی براساس این فرض شکل می‌گیرد که انسانها افرادی را دوست دارند که دارای ارزشها و عقایدی نظیر خودشان هستند. برای مثال، زیر دستانی که می‌داند مافوقشان از همتای خویش راضی نیست و از وی در برابر مافوق خود انتقاد می‌کنند، از این شیوه غیرمستقیم چاپلوسی و رفتار چاپلوسی استفاده می‌کنند.

امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: «... و بسا مردم که ستایش را دوست دارند، از آن پس که در کاری کوششی آرند، لیکن مرا به نیکی مستایید تا از عهده‌ی حقوقی که مانده است برآیم و واجب‌ها که بر گردنم باقی است ادا نمایم. پس با من چنانکه با سرکشان گویند سخن مگویند و چونان که با تیزخویان کنند از من کناره‌جویید و با ظاهرآرایی آمیزش مدارید و شنیدن حق را بر من سنگین مپندارید، و نخواهم مرا بزرگ انگارید» [۱۵، خطبه ۲۱۶]. به نظر آن حضرت، تمجید و ستایش رهبران موجب می‌شود که آن‌ها وظایف خود را به‌خوبی انجام نداده و از عهده‌ی ادای حقوق مردم برنایند [۱۰].

۴-۱-۲- خودنمایی: چهارمین شکل از رفتار چاپلوسی خودنمایی است. یعنی رفتار به شیوه‌ای که از نظر فرد هدف مطلوب و مناسب است و یا رفتار به شیوه‌ای که فرد را دارای ویژگی خاصی نشان دهد و وی را برای فرد هدف جذاب کند.

امام علی(ع) در بازگشت از صفین به تیره‌ای از قبیله‌ی همدان برخورد کرد، حرب بن شرحبیل شمامی که بزرگ آنان بود در رکاب حضرت پیاده به راه افتاد در حالی که امام سواره بود، حضرت خطاب به وی فرمود: «برگرد که اینگونه راه رفتن موجب فریفته شدن والی و خواری مؤمن است» [۱۵، قصار ۳۲۲]. با توجه به اینکه یکی از برنامه‌های حضرت



علی(ع) بازگرداندن شخصیت انسانی افراد و عزت نفس آنان بود به همین دلیل تحمل نمی‌کرد که حتی یک فرد عادی در مقابل رهبر دست به سینه ایستاده، عملی انجام داده یا سخنی بگوید که موجب تحقیر خودش یا بزرگ‌شماری حاکم به صورت متملقانه گردد[۱۰].

۲-۲. منشأ تملق و چاپلوسی

یکی از رذایلی که در اثر انحراف قوه شهویه اثرات ناگواری بر زندگی دینی و دنیایی شخص می‌گذارد و او را از نظرها ساقط و از درجه اعتبار پایین می‌آورد چاپلوسی و تملق‌های بی‌جایی است که شخص مرتکب آن شده و آبرو و حیثیت خود را به حراج می‌گذارد که این خود نشان از شرک خفی در نهاد او دارد[۶]. البته ناگفته نماند که گاهی شیطان افراد را به بهانه تواضع به این بلیه دچار کرده مشغولشان می‌کند و حال آن‌که مابین آن دو[تواضع و تملق] فاصله‌هاست: تواضع مبداءش علم به خدای تعالی و نفس بوده، غایتش هم خدا است یا کرامت خدا و نتیجه‌اش کمال نفسانی است. درحالی که تملق، مبداءش شرک و جهل بوده، غایتش نفس است و ثمره‌اش خفت و خواری می‌باشد. به هرحال باید دانست که چاپلوسی از آبخور نفاق و خودخواهی سیراب شده است[۴]. متأسفانه گاهی، عادت بعضی از مردم شده است که چرب زبانی و تملق را دلیل بر مردم‌داری و حسن خلق تلقی کرده، خلاف آن را نشانه حقارت و کم‌ارزشی و نبود شخصیت می‌پندارند[۷].

امام علی(ع) سرمنشأ این ردیلت را حماقت فرد میدانند[۱]، به نقل از [۹]. حضرت در بیان اصول روابط اجتماعی رهبران و مدیران جامعه، در نامه‌ی مالک اشتر می‌نویسد: «... تا می‌توانی به پرهیزکاران بپیوند و آنان را چنان پرورش ده که تورا فراوان نستانند...» [۱۵، نامه ۵۳]. از این سخن امام(ع) می‌توان برداشت نمود که از دیگر عامل بوجود آورنده چاپلوسی، وجود رهبر ستایش دوست و فرهنگ چاپلوس‌پرور است. زیرا این نخبگان هستند که زمینه را برای رشد چاپلوسان و متملقان آماده می‌کنند[۳]. چاپلوسان و منافقان در روابط اجتماعی خود بدون آن که به ضوابط اخلاقی پایبند باشند تنها برای کسب منفعت آنی و زودگذر دنیایی، خود را به قطب‌های قدرت در جامعه نزدیک می‌کنند و با به کار بستن شیوه‌های غیر اخلاقی - از دروغ و ریا گرفته تا تملق و ثنا - خود را در دل صاحبان مال و مقام جای می‌دهند. اینان که راه نفوذ در دیگر انسان‌ها را آموخته و نقطه ضعف و قوت هرکسی را پیدا کرده‌اند، با ستایش‌ها و تملق نابجا، دامی پنهان می‌گسترند و شکار خود را صید می‌کنند. با گستاخی و بی‌شرمی داد سخن می‌دهند، و ناکرده را کرده و ناگفته را گفته جلوه می‌دهند و خود و ممدوح خود را به شقاوت می‌اندازند. امام علی‌علیه السلام در حدیثی تملق را وجه شبه نفس‌اماره و منافق نام می‌برد[۱۳].

۲-۳. اهداف چاپلوسان

هدف انسانی که طالب رضا و خشنودی مردم است و توجه به جلب نظر و قلوب مردم دارد، آن است که آن‌ها را مؤثر در اموری می‌داند که مورد طمع اوست. مثلاً کسانی که پول‌پرست و مال‌دوست هستند، پیش ارباب ثروت خاضع بوده از آن‌ها تملق می‌گویند و برای آن‌ها فروتنی می‌نمایند و کسانی که طالب ریاست و احترامات ظاهری هستند از مریدان و پیروان خود تملق‌ها کرده، فروتنی‌ها می‌نمایند تا قلوب آن‌ها را به هر ترتیبی که هست به سوی خویش جلب کنند اما در مقابل کسانی هستند که با ریاضات شرعی خود را تربیت کرده، طالب رضای حق‌اند و زینت‌های دنیا آن‌ها را نلرزاند، در ریاست، طالب رضای حق هستند و هنگامی که زیر دستند حق‌جو و حق‌طلب بوده هم‌چون آدم‌های شریف گذران عمر می‌کنند[۴]. هدف چاپلوسان فریب و غفلت دست‌اندرکاران از واقعیت‌های موجود است، از آنجا که افراد چاپلوس و تملق‌گو واقعیت‌ها را از دید رهبران مستور می‌دارند و باعث تبلیغ حق و باطل می‌گردند، در قرآن مجید مورد لعن و نفرین خدا و مردم قرار گرفته‌اند[به نقل از ۳]. آن‌گونه که حضرت علی(ع) در موقع سخنرانی در صفین، وقتی ستایش و درود شخصی را شنید، در ادامه سخنرانی فرمود: «... مرا به نیکی مستایید تا از عهده حقوقی که مانده است برآیم و واجب‌ها که بر گردنم باقی است ادا نمایم...» [۱۵، خطبه ۲۱۶]. از طرفی، ظلم و ستم طاقت فرسای



پادشاهان و خوانین که همیشه جان، مال، حیثیت و ناموس افراد را مورد تهدید قرار داده است. تملق و تمجید از این ظالمان، تا حدی می‌توانست امنیت را برای مردم به ارمان آورد و به نوعی حاکمان را از تجاوز و تعدی بیشتر باز می‌داشت. بنابراین مردم بر خلاف میل باطنی‌شان، برای تامین امنیت مالی و جانی خود به تمجید و چاپلوسی پادشاهان و خوانین می‌پرداختند. آن چنان که حضرت با بینشی که در این مورد داشته، در ادامه فرموده‌اند: «... با من چنانکه با سرکشان گویند سخن مگویند و چونان که با تیز خویان کنند از من کناره مجویید...» (همان).

۲-۴. آسیب و آثار چاپلوسی

۲-۴-۱- ذلت و زبونی: از آثار بسیار زشت تملق و چاپلوسی ذلت و زبونی است به این علت که چنین انسانی نخست شخصیت خود را نابود کرده و در برابر انسان ضعیفی مثل خود به مدح و ثنا برخاسته و سپس به عجز و ناتوانی خویش اعتراف نموده و راه ترقی و کمال را بر خود بسته است. امام علی(ع) می‌فرمایند: «يَتَّبِعِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَخْتَرِسَ مِنْ سَكْرِ الْمَالِ وَ سَكْرِ الْقُدْرَةِ وَ سَكْرِ الْعِلْمِ وَ سَكْرِ الْمَدْحِ وَ سَكْرِ الشَّابِّ فَإِنَّ لِكُلِّ ذَلِكَ رِيَّاحَ خَبِيثَةٍ تَسْلُبُ الْعَقْلَ وَ تَسْتَخِفُّ الْوَقَارَ» شایسته است انسان عاقل، خویشتن را از مستی ثروت، از مستی قدرت، از مستی علم و دانش، از مستی تمجید و تملق، از مستی جوانی مصون نگاه دارد. زیرا هر یک از این مستی‌ها بادهای مسموم و پلیدی دارد که عقل را زایل می‌کند و آدمی را خفیف و بی‌شخصیت می‌نماید [به نقل از ۱].

۲-۴-۲- غرور و خودپسندی: چاپلوسی غرور می‌آورد و مغرور به نصیحت ناصحان گوش نمی‌دهد و اگر این حرکت او با قدرت همراه شود، مردم را به سختی و بدبختی می‌افکند [۱۲]. فرد چاپلوس، افزون بر اینکه مرتکب دروغ، نفاق و میدان دادن به ستمگران می‌شود، به نسبت موقعیت ستمگران و آثار ناگواری از تملق و چاپلوسی او پدید آمده، خود، یکی از عوامل فساد و شریک جرم زیان‌ها و خسارت‌های وارد شده از این ناحیه به شمار می‌رود. هر کس به مقدار دخالت، همکاری، تأیید و تشویق خود از دیگران، در پیدایش فساد و ارتکاب جرم‌ها و ظلم، سهمیم و شریک است. در نامه ۵۳ امام علی(ع) آمده است: «وَيَأْتَاكَ وَالْأَعْجَابُ بِنَفْسِكَ، وَالثَّقَّةُ بِمَا يُعْجِبُكَ مِنْهَا، وَحُبُّ الْأَطْرَاءِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَوْثَقِ فُرُصِ الشَّيْطَانِ فِي نَفْسِهِ، لِيَمُخِّقَ مَا يَكُونُ مِنْ إِحْسَانِ الْمُحْسِنِينَ...» بهره‌ز از خودپسندی و تکیه به چیزی که تو را به خودپسندی وادارد و از اینکه دوست‌داری مردم تو را بسیار بستانند، زیرا این حالت از مهمترین فرصت‌های شیطان است تا نیکی‌نیکوکاران را از بین ببرد [۱۵، نامه ۵۳].

۲-۴-۳- از بین رفتن روحیه نقد و نصیحت: میدان دادن به افراد چاپلوس، اصل مهم نقد و نظر را به تملق تبدیل می‌کند. و از ایجاد محیط نقادی و نصیحت که از ضروریات جامعه دینی است ممانعت می‌کند. از اینرو حضرت علی(ع) می‌فرمایند: «من واجب حقوق الله على العباد النصيحة بمبلغ جهدهم والتعاون على اقامه الحق بينهم؛ و از جمله حقوق واجب خدا بر بندگان اندرز دادن و کمک و یاری به یکدیگر است برای اجرای حق بین خودشان به قدر کوشش و توانایی» [۱۵، خطبه ۲۱۶]. در واقع از مهمترین آفات و عوامل عقب ماندگی جوامع، رواج روحیه تملق و چاپلوسی است. که با ایجاد محیط نقد و نظر زمینه‌ای فراهم می‌آید تا عیب‌ها مطرح شده و ضعف‌ها جبران شود و از گرایش به استبداد و خودکامگی جلوگیری شود [۹]. اصولاً نقش نقد و انتقاد بر این پایه استوار است تا دیگری به بازشناسی خود از منظر دیگران بپردازد. زیرا انسان به اموری عادت می‌کند و به طبیعت دوم او تبدیل می‌شود. و به سادگی حتی ناهنجارها و ضد ارزش‌ها را هنجار و ارزش می‌پندارد و موجب می‌شود تا مسیر باطلی را درپیش گیرد و دچار سقوط اخلاقی و در نهایت سقوط از مقام انسانیت شود. از این رو تملق و چاپلوسی نباید مورد خوشایند مسئولان واقع شود چون از یک سو موجب می‌شود که آنان به انحراف کشیده شده و نتوانند عیوب خویش را ببینند و از سوی دیگر، موجب رواج روح ذلت و زبونی در میان مردم و کارگزاران خواهد شد که برای کل جامعه زیانبار است. انتقاد به موقع از کارگزاران دولت نقش مؤثری در اصلاح دولت و ملت ایفا می‌کند.

۲-۴-۴- عدم انجام وظایف و احیای حقوق: روزی حضرت علی(علیه السلام) در صفین سخنرانی می‌کردند، در حین سخنرانی مردی حضرت را ستوده و درود فراوان بر او فرستاد، امام(علیه السلام) در ادامه



سخنرانی فرمود: «وَإِنَّ مِنْ أَسْخَفِ خَلَاةِ الْوَلَاةِ عِنْدَ صَالِحِ النَّاسِ، أَنْ يُظَنَّ بِهِمْ حُبُّ الْفَخْرِ، وَيُوضَعَ أَمْرُهُمْ عَلَى الْكِبَرِ وَقَدْ كَرِهَتْ أَنْ يَكُونَ جَالَ فِي ظَنِّكُمْ أَنِّي أَحِبُّ الْأَطْرَاءَ، وَاسْتِمَاعَ الثَّنَاءِ...» در دیده مردم پارسا، زشت ترین خوی والیان این است که خواهند مردم آنان را دوستدار بزرگ منشی شمارند و کارهاشان را به حساب کبر و خودخواهی بگذارند. خوش ندارم که در خاطر شما بگذرد که من دوستدار ستودنم و خواهان ستایش شنیدن [۱۵]، خطبه ۲۱۶]. به نظر حضرت علی (علیه السلام) تمجید و ستایش رهبران موجب می شود که آنها وظایف خود را به خوبی انجام نداده و از عهده ادای حقوق مردم بر نیایند.

۲-۴-۵- رواج رفتارهای دروغین: این صفت خبیثه - که به زبان آوردن مطالبی است در مورد دیگران، در حالی که به آن اعتقادی ندارد - نهی است جاری از دریای وسیع محبت دنیا و خصلتی است به ودیعه گرفته شده از خصلت‌های سگان، چرا که آداب سگان است که در انتظار لقمه‌ای دم خود را می‌جنبانند و تملق و چاپلوسی می‌کنند [۱۴]. بطوری که در حکمت ۸۳ آمده است. «لرجل أفرط في الثناء عليه، وكان له مُتَّهَمًا: أَنَا دُونَ مَا تَقُولُ، وَفَوْقَ مَا فِي نَفْسِكَ» امام به مردی که در ثناخوانی بر او افراط کرد ولی در دل امام را متهم می‌نمود، فرمود: من کمتر از آن هستم که می‌گوئی و بالاتر از آنم که در دل تو است! [۱۵]، حکمت ۸۳]. از آیات قرآنی به دست می‌آید که بسیاری از رذایل اخلاقی از تملق‌گرایی برمی‌خیزد. از جمله این که عجب و غرور و انتظار تملق از مردم، ریشه در تملق‌گرایی دارد و همین مساله موجبات هلاکت قطعی فرد و جامعه را به دنبال خواهد داشت. از نظر قرآن، هرگونه تحلیل و تفسیر نابجا نسبت به هرکس و هر موردی محکوم است و نمی‌بایست کسی این‌گونه رفتار کند، چرا که هلاکت خود و دیگران را موجب می‌شود. البته آنچه خطرش برای مردم و جامعه بیشتر است، توقع حمد است، نه توقع شکر و مدح؛ زیرا در حمد، نوعی ستایش آمیخته با پرستش نهفته است از این رو خداوند در نقد تملق‌گویی از واژه حمد استفاده می‌کند و می‌فرماید که «اینان دوست دارند تا ستایش شوند و محمود گردند» [آل عمران، آیه ۱۸۸].

۲-۵. روش‌های برخورد با چاپلوسان

مناسب ترین روش برای مبارزه با رفتارهای تملق آمیز، بی‌اعتنایی به تملق گوینده است. پیامبر اکرم (ص) در نکوهش چاپلوسی و مدح بیجا می‌فرمایند: «احثوا التراب علی وجوه المداحین؛ به صورت چاپلوسان خاک بپاشید.» یکی از بهترین و مناسب ترین روش های برطرف سازی رفتارهای تملق آمیز، اعتنا نکردن و پاسخ مثبت ندادن به رفتار چاپلوسان است که در حیطه روان شناسی، «خاموشی» نامیده می شود. بدین ترتیب، این گونه افراد، روش به ظاهر کارآمد خود را غیر مؤثر و تحقیرآمیز می یابند و به اجبار، با تجدیدنظر در شخصیت خود، سعی خواهند کرد رفتارهای مناسبی را جایگزین رفتار پیشین خود کنند. در مقابل، توجه و نیز پاسخ دهی مثبت به رفتارهای مناسب و اصلاح شده این گونه افراد، روش مکمل برای تکنیک خاموشی است و این تکنیک، در اصطلاح روان شناسان «تقویت مثبت» نام دارد [۶]. همان‌طور که حضرت علی (ع) نیز در خطبه ۲۱۶ علاوه بر اینکه نسبت به مدح خوشحال نشده بلکه واکنش اصولی نیز در کراهت تملق در ادامه خطبه ایراد فرموده است. بدون تردید، رشد و ترویج فرهنگ چاپلوسی و چاپلوس پروری در هر سازمان و محیطی، سبب آلودگی فرهنگی و اخلاقی محیط کاری می شود و به مرور، افراد غیر کارآمد سرپرستی امور را به دست می گیرند که کاهش ارتباط افراد سالم و کاردان و نیز پایین آمدن بهره وری در نتیجه فروپاشی سازمان را منجر خواهد شد. هیچ فرد چاپلوسی جرأت تملق گویی و دگرفریبی به خود راه نخواهد داد، مگر آنکه اطرافیان ضعیف النفس و چاپلوس پرور، برای ارضای حقارت های ذاتی خود، از او حمایت کنند. امام علی (ع) با علم بر این موضوع خطر چاپلوسان را در نامه ۵۳ به مالک اشتر بیان فرموده‌اند. به هر حال تملق گویی و چاپلوسی به عنوان یکی از رذایل اخلاقی که اگر در جامعه به ویژه در میان مسئولان و دولت‌مردان راه یابد، موجبات بسیاری از رذایل پست اخلاقی دیگر می شود و امکان بازسازی به فرد و جامعه نمی دهد و تباهی و فساد را در چهره های گوناگون گسترش می دهد و بسیاری از آثار و پیامدهای مخرب از جمله موارد پیش گفته را سبب می شود. بنابراین، بر شنوندگان تملق است که به شدت با متملق و چاپلوس برخورد کنند و اجازه رشد چاپلوسی را در جامعه ندهند.



۳. بحث و نتیجه‌گیری

تملق و چاپلوسی از رذایل اخلاقی است. کسی که چاپلوس است و هم آن کسی که تملق را دوست می‌دارد و انتظار حمد و ثنای بی‌مورد و بیجا دارد، از فضیلت اخلاقی به دور هستند. چاپلوسی باعث می‌شود انسان از ارزش‌های خدایی خارج شود و ارزش‌های مادی ملاک بهروزی و برتری او قرار گیرد، بدین طریق اسارت وی آغاز می‌شود. چاپلوسی، حالتی است برخاسته از ضعف نفس و نوعی اسارت روحی انسان که در برابر دیگر آدمیان برای جلب منافع و کسب امتیازهای مادی صورت می‌گیرد. یکی از مهمترین اهداف حضرت علی (علیه السلام) که در اندیشه‌ها و سیره امام علی (علیه السلام) به وضوح قابل مشاهده است، ساختن جامعه‌ای متشکل از انسانهایی است که دارای عزت نفس و مناعت طبع می‌باشد؛ تا در مقابل هیچ انسانی و هیچ مقامی احساس حقارت نکرده و سرفروند نیاورند [۱۰]. که با نگاه کلی به نهج البلاغه، که محصول چالش‌های فکری- عملی حکومت امام علی (علیه السلام) بوده و سیمای اخلاق راستین دینی و ارزشهای معنوی و انسانی در آن، به طور دقیق انعکاس یافته، می‌توان تملق و چاپلوسی و آثار آن را در چند نکته آسیب‌شناسی نمود.

الف) اینکه تملق به ستایش بیش از حد گفته می‌شود که منشأ آن حقارت فرد است. از منظر آن حضرت جامعه مطلوب، جامعه‌ای است که تعریف و مدح و ستایش، در سطح سیستم سیاسی، رهبران و مدیران و مردم به کلی از بین رفته باشد، و بجای تملق حق انتقاد و نصیحت که از حقوق مسلمانان نسبت به هم است آزاد باشد. از این رو ایجاد محیط نقادی و انتقادپذیری از ضروریات جامعه دینی و از راه‌های مقابله با این آفت است. زیرا زمینه‌ای فراهم می‌آورد که عیوب مطرح شده و ضعفها جبران شود و از گرایش به استبداد و خودکامگی جلوگیری شود.

ب) این پدیده زشت آثار مخربی بر نظام سیاسی و شخصیت مردم بر جای می‌گذارد. در چنین جامعه‌ای انسان-ها تحقیر شده، کرامت انسانی به تاراج می‌رود. جامعه به یک جامعه ظالم‌پرور تبدیل گشته و رهبران هیچ‌گاه واقعیت‌ها را درک نخواهند نمود و بدین طریق مغرور شده و از عهده‌ی ادای حقوق مردم برنخواهند آمد. و به هر میزان این صفت رذیله در میان آحاد جامعه بیشتر باشد، به همان میزان سرنوشت اجتماعی آن مردم به سوی قهقرا و سیر انحطاطی پیش می‌رود. پس لازم است این آفت شناسایی شده و به شکل اصولی با آن برخورد شود تا مانع شکوفایی جامعه و نظام اسلامی نگردد.

ج) تعریف و تمجیدهای بی‌موردی که از دیگری می‌شود نشان از خفت و خواری چاپلوس و مبتلا شدنش به شرکی است که ثمره آن در اعمال و رفتار وی ظهور پیدا کرده، ننگ و عار را برای او به ارمغان آورده است. گنهگار ممکن است پشیمان شده، توبه کند و نجات یابد، ولی افراد مغرور حتی درصدد توبه هم برنمی‌آیند، لذا امیدی به نجات آنان نیست، که در قرآن هم به آن اشاره شده «لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيُجِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبْنَهُمْ بِمَقَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» [آل عمران، ۱۸۸]. امام علی (ع) در این رابطه فرموده‌اند: به راستی کسی تو را دوست دارد که تملق گویت نباشد، و در حضور چاپلوسی نکند و دوست واقعی کسی است که نمی‌گذارد این تعریف و تمجید به گوش تو برسد [۱]، فصل ۱۵، شماره ۱۷. باز فرمودند: کسی که مدح و ثنای تو را می‌گوید در حقیقت تو را با این کارش سربریده است [۱ فصل ۷۷، شماره ۱۲۴].

۴. منابع و مآخذ

- [۱] آقا جمال خوانساری، محمدبن حسین (۱۱۲۵ق). شرح غررالحکم و دررالکلم، تصحیح و تعلیق میرجلال الدین حسینی ارموی (۱۳۶۰). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- [۲] اجلال، زهرا؛ چاپلوسی کردن ممنوع، (۱۳۹۳)، بازیابی در (۱۳۹۴/۲/۱۷) از تارنمای <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=279406>.
- [۳] امام جمعه‌زاده، سیدجواد؛ آسیب‌شناسی جامعه و حکومت اسلامی در نهج البلاغه. فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۷، (۱۳۸۱)، صص ۱۷۹-۱۹۰.



- [۴] امام خمینی، روح‌الله؛ شرح چهل حدیث، چاپ چهل و دوم. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، (۱۳۸۶).
- [۵] بصیری سمیه؛ آسیب شناسی اخلاق سیاسی- اجتماعی مسئولان از دیدگاه نهج البلاغه، همایش منطقه ای اخلاق اجتماعی از منظر قرآن و عترت، (۱۳۹۱)، صص ۲۴-۳۱.
- [۶] پورفلاحی، محمدرضا؛ نکوهش چاپلوسی در بیان اهل بیت. نشریه طوبی، شماره ۲۱، (۱۳۸۶)، ص ۹۹.
- [۷] حسینی طهرانی، علامه سید محمد حسین؛ رساله لباب اللباب، چاپ ۲۲. مشهد: نشر علامه طباطبائی، (۱۳۹۱).
- [۸] حقیقت، محمدرضا؛ تملق و چاپلوسی: کمین‌گاه‌های شیطان، روزنامه کیهان، شماره ۲۰۶۹۹، ۹۲/۱۱/۱۰، ص ۶.
- [۹] دسترنج، فاطمه؛ آسیب‌شناسی اخلاقی از دیدگاه نهج‌البلاغه. فصلنامه پژوهش‌های نهج‌البلاغه، سال هشتم، شماره ۳۰، (۱۳۸۹)، صص ۱۷۰-۱۸۸.
- [۱۰] علیخانی، علی‌اکبر؛ توسعه سیاسی از دیدگاه امام علی(ع). تهران: نشر بین‌الملل، (۱۳۸۴).
- [۱۱] قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
- [۱۲] گل‌سرخی کاشانی، رضا؛ فرمان امام‌به مالک اشتر: چاپلوسی موقوف. مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، سال دوازدهم، شماره ۴، (۱۳۵۰)، صص ۱۳-۱۶.
- [۱۳] مسعودی، هادی؛ نفاق و منافق در نگاه امام موحدان علی علیه السلام (۱۳۸۸). بازیابی در (۱۳۹۴/۲/۱۸) از تانمای <http://imamalinet.net/old/per/a/ae/ae.htm>.
- [۱۴] نراقی، ملا احمد؛ معراج السعاده، چاپ دوم. تهران: انتشارات رشیدی، (۱۳۶۱).
- [۱۵] نهج البلاغه، ترجمه مسعود هاشمی(چاپ دوم)، تهران: انتشارات فرهنگ جامع، (۱۳۸۷).

Archive of SID